

گستره حمایت از اشخاص ثالث در قواعد حاکم بر معاملات خارج از موضوع شرکت (مطالعه‌ای در حقوق ایران و انگلیس)

علی غریبه*^۱ - علی پور رضائی**^۲

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۵ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۱۶

چکیده

اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری، خطراتی را برای اشخاص ثالث به همراه دارد. یکی از موضوعاتی که در این زمینه، می‌تواند حقوق اشخاص ثالث را تحت تأثیر قرار دهد «معاملات خارج از موضوع شرکت» است؛ زیرا امکان دارد مدیران شرکت در معامله با اشخاص ثالث از موضوع شرکت تخطی نمایند. با اتخاذ رویکردهای مختلف، ضمانت اجرای متفاوتی برای این تخلف نیز مطرح می‌شود. رویکرد حقوق انگلیس در ابتدا «حمایت از شرکت» و در نتیجه بطلان معامله خارج از موضوع شرکت بوده که با آزمودن نتایج دیدگاه‌ها، با روش‌های مختلف تعدیل شد. در قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ به «حمایت از اشخاص ثالث» توجه شده و اثر بیرونی قاعده آلترا وایرز از بین رفت تا ثبات معاملاتی ایجاد و هزینه‌های ایجاد و اداره شرکت درونی شود. در حقوق ایران به لحاظ نارسایی مقررات و به تناسب دیدگاه‌ها، ضمانت اجرای متفاوتی نیز مطرح شده است. تعارض دیدگاه‌ها عمدتاً ناشی از این است که میان دو مقوله اهلیت شرکت و حدود اختیارات مدیران آن، مرز مشخصی ترسیم نشده است. با توجه به لزوم تعیین موضوع شرکت در اساسنامه و عدم اتخاذ موضع صریح در قبال معاملات خارج از موضوع شرکت در لایحه تجارت ۱۳۹۱، پیش‌بینی می‌شود اختلاف دیدگاه‌های حقوقی ادامه یابد.

واژگان کلیدی: اقدام خارج از موضوع شرکت، حمایت از شرکت، حمایت از اشخاص ثالث، نظریه عدم قابلیت استناد، نظریه سهامداران، نظریه ذینفعان

۱. استاد یار گروه حقوق خصوصی دانشگاه آزاد، واحد تبریز (نویسنده مسئول) gharibelawyer@gmail.com
۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد، واحد تبریز alipourrezaei94@gmail.com

مقدمه

یکی از نهادهای اثرگذار در توسعه اقتصادی کشورها، شرکت تجاری است و تأسیس نهاد حقوقی «شرکت با مسئولیت محدود» - در مفهوم عام - بر اهمیت نهاد یادشده افزوده است. ویژگی شرکت‌های با مسئولیت محدود، از جمله شرکت‌های سهامی، انتقال خطر بحران مالی به اشخاصی است که طرف معامله با آن قرار می‌گیرند؛ بنابراین می‌توان گفت که این تأسیس حقوقی می‌تواند خطراتی برای اشخاص ثالث ایجاد نماید. البته این توصیف بدان مفهوم نیست که شرکت‌های با مسئولیت نامحدود برای اشخاص ثالث خطری در پی ندارد؛ زیرا نهاد حقوقی شرکت - اعم از اینکه مسئولیت شرکا یا سهامداران آن محدود باشد یا نامحدود - به دلیل ماهیت اعتباری و امتیازات قانونی آن می‌تواند اشخاصی را که با آن ارتباط دارند در معرض خطر سوءاستفاده از نهاد شرکت و تحمیل زیان قرار می‌دهد. حقوق کارآمد در زمینه حقوق شرکت‌ها، نظام حقوقی است که تا حد امکان از خطرات پیش‌گفته بکاهد و امنیت بیشتری را برای اشخاص ثالث فراهم نماید. یکی از موضوعاتی که ممکن است برای اشخاص ثالث ایجاد خطر نماید، «معاملات خارج از موضوع شرکت» است. بدین توضیح که مدیران نماینده شرکت و مجری اراده آن هستند؛ بنابراین انجام معاملات شرکت توسط آنان صورت می‌گیرد؛ اما انجام معامله از سوی آنان دارای حدود و ثغوری است که به موجب قانون و یا اساسنامه شرکت مشخص می‌شود. ممکن است مدیران از حدود موضوع شرکت تجاوز کنند. خروج از حدود تعیین‌شده، بی‌شک تخلف است. حال سؤال این است که این تخلف با چه ضمانت اجرایی مواجه می‌شود؟ قراردادهای خارج از موضوع شرکت چه وضعیت حقوقی دارند؟

موضوع فعالیت شرکت با «موضوع قرارداد شرکت» یکسان نیست. در واقع «قرارداد شرکت تجاری قراردادی پیچیده است که معین نمودن موضوع آن مستلزم توافق بر سر مسائل متعددی است. قانون تجارت و لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت دارای حکم خاصی در این موضوع مهم نیستند اما از مجموع مواد می‌توان پی برد که موضوع قرارداد شرکت تجاری لااقل از ده جزء... تشکیل می‌گردد».^۱ از این دیدگاه موضوع قرارداد شرکت شامل نوع، مدت، موضوع فعالیت، آورده شرکا، سازوکار، اداره و نقل و انتقال حقوق شرکا، تقسیم سود و زیان، نحوه تغییر

۱. کاویانی، کورش، حقوق شرکت‌های تجاری، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۰، ص ۶۱-۶۰.

قرارداد، نحوه انحلال و تصفیه، اقامتگاه و نام شرکت توصیف شده است.^۱ بنابراین موضوع فعالیت شرکت، یکی از اجزاء موضوع قرارداد شرکت بوده و نباید آن دو را یکسان دانست. هر چند قوانین ایران در این زمینه، مقتبس از حقوق فرانسه بوده که جزئی از نظام رومی-ژرمنی است، اما مقایسه حقوق ایران با حقوق انگلیس به دلایل زیر سودمند به نظر می‌رسد:

الف) وسعت قلمرو نظام کامن لا به نسبت دیگر نظام‌های حقوقی: نظام حقوقی مذکور یکی از پرجمعیت‌ترین نظام‌های حقوقی موجود در جهان بوده که در همه قاره‌ها نفوذ دامنه‌داری دارد به گونه‌ای که نظام حقوقی کشور بزرگی همانند هندوستان، برخی از کشورهای اسلامی مانند مالزی، اندونزی و اردن و کشورهای ایالات متحده آمریکا و کانادا و تقریباً همه کشورهای قاره اقیانوسیه در این نظام حقوقی قرار دارند. با این وصف اهمیت شناخت ساختار و درک مفاهیم ویژه حقوق عرفی که خاستگاه آن حقوق انگلیس بوده، علاوه بر جنبه نظری، در گسترش ارتباطات تجاری با شرکت‌های خارجی روشن است.

ب) توجه ویژه به موضوع اهلیت شرکت و تفکیک آن از اختیارات مدیران در قوانین انگلیس: تغییرات اساسی حقوق انگلیس و آزمودن ضمانت اجراهای متفاوت، نشان از پویایی این نظام حقوقی در موضوع تحقیق حاضر داشته و نتایج آن می‌تواند در اصلاح مقررات داخلی، مورد استفاده قرار گیرد. در قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ فصل مستقلی به اهلیت شرکت اختصاص داده شده و در مورد اقدام خارج از موضوع یا اختیارات مدیران همچنین سرنوشت قرارداد خارج از موضوع فعالیت شرکت، در دو فرض رابطه ثالث با شرکت و رابطه مدیران با نهاد شرکت به روشنی وضع حکم شده است. نکته قابل توجه این که احکام مذکور ناظر به انواع شرکت‌ها (سرمایه و اشخاص) می‌باشد.

ج) تشابه اهداف مدیریتی و چشم‌انداز حقوق ایران: برخی راه‌حل‌ها میان حقوق شرکت‌های انگلیس و مقررات کنونی ایران دارای تشابه است. در زمینه مدیریتی «حقوق شرکت‌های ایران از ابتدا تا به امروز به لحاظ اینکه همواره به دنبال تأمین منافع سهامداران و افزایش سرمایه شرکت است در اردوگاه نظری مدیریت در مکتب کامن لایی است ولی به لحاظ ساختار شرکت و مقررات حاکم بر آن بی‌شک در چارچوب مکتب رومی ژرمنی است».^۲ به علاوه

۱. همان، ص ۸۵-۶۱.

۲. پوررشید، سیده زهرا، تعادل در اختیارات مدیریت شرکت‌های سهامی، تهران، مجد، ۱۳۹۴، ص ۳۱۰.

لایحه اصلاح قانون تجارت که مراحل تقنینی آن در حال انجام است، در باب شرکت‌ها نیز به صورت جدی به متون قانونی نظام حقوق عرفی به لحاظ نوآوری‌های این سیستم توجه نموده است. در صورت تصویب لایحه مذکور ولو با تغییرات، تحلیل و تفسیر مقررات آن، نیازمند شناخت حقوق عرفی است.

در حقوق ایران تحلیل حقوقی رابطه میان موضوع شرکت و حدود اختیارات مدیران آن، یکی از موضوعات مهمی است که نویسندگان حقوقی درباره چگونگی این رابطه دیدگاه‌های گوناگونی ابراز داشته‌اند. اگرچه قانون‌گذار تعیین موضوع شرکت را برای ایجاد شخصیت آن ضروری دانسته و حتی عدم امکان انجام موضوع تعیین شده یا انجام کامل آن را از اسباب انحلال شرکت می‌داند، اما ضمانت اجرای تجاوز از موضوع و وضعیت حقوقی معاملات خارج از این چارچوب را مسکوت می‌گذارد.

در نوشتار حاضر ابتدا مفهوم، مبانی و ضمانت اجرای تجاوز از موضوع شرکت در حقوق انگلیس مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس دیدگاه‌های ابرازی در حقوق ایران مطرح و مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۱- مفهوم و مبانی ممنوعیت اقدام «خارج از موضوع» در حقوق انگلیس

نظریه ممنوعیت اقدام «خارج از موضوع»^۱ (آلترا وایرز) مدت‌ها بر نظام حقوق شرکت‌های انگلیس حکومت می‌کرد. این دیدگاه علاوه بر آثاری که در روابط داخلی شرکت، بین مدیران، شرکا و شرکت داشت، در رابطه شرکت با اشخاص ثالث نیز اثر مهمی بر جای می‌گذاشت. نخست مفهوم و سپس مبانی نظریه یادشده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱- مفهوم

برای ثبت شرکت، تشکیل دهندگان آن باید اساسنامه شرکت را تنظیم و به متصدی ثبت ارائه نمایند. یکی از مندرجات اساسنامه «موضوع شرکت» است که بیانگر هدف از تشکیل شرکت می‌باشد. حال سوالی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه آیا شرکت می‌تواند خارج از

۱. ultra vires.

موضوع، فعالیتی انجام دهد؟

نظریه «آلترا وایرز» در رابطه با اهلیت شرکت در حقوق انگلیس مطرح شده که اثرات زیادی بر فعالیت اقتصادی تجار برجای گذاشت. آلترا وایرز در لغت به غیرمجاز، خارج از اختیار اعطاشده توسط قانون و یا شرکت تعریف شده است.^۱ موضوع شرکت در حقوق انگلیس به موجب قانون مشخص می‌شد و حدود مشخص شده به موجب قانون، ممکن بود به موجب اساسنامه نیز محدود گردد؛ بنابراین در صورتی که شرکت فراتر از موضوعی که در قانون و یا اساسنامه مشخص شده، عمل می‌کرد و یا مدیران بدون توجه به محدودیت‌های اساسنامه اقدام به انجام معامله می‌کردند، براساس نظریه آلترا وایرز آن عمل با ضمانت اجرای «بطلان» مواجه می‌شد.^۲

با توجه به مقدمه بیان شده می‌توان دو تعریف از قاعده آلترا وایرز ارائه داد. در تعریف اول هر عمل مخالف موضوع شرکت که در اساسنامه پیش‌بینی شده است را شامل می‌شود. در همین راستا یکی از نویسندگان بیان می‌دارد: آلترا وایرز اقدام یا معامله‌ای است که با وجود عدم مخالفت با قانون و نظم عمومی، در صورت اجرا یا انجام، خارج از اختیارات قانونی شخص حقوقی است؛ زیرا این اختیارات در اسناد شرکت تعریف شده است.^۳ معنای دیگری که از این قاعده به ذهن می‌رسد اعمالی است که داخل در موضوع شرکت بوده ولیکن خارج از اختیارات مدیران است. در بیان دیگر برخی قاعده آلترا وایرز را به دو قسم ماهوی و شکلی تقسیم کردند و اقدام خارج از موضوع شرکت را آلترا وایرز ماهوی و باطل اعلام داشتند و اقدام خارج از اختیار مدیران را آلترا وایرز شکلی می‌دانند که البته قسم اخیر برای شرکت الزام‌آور است.^۴ اما یکی از قضات به درستی دسته اخیر را اقدام خارج از موضوع نمی‌دانند؛ بدین توضیح که اقدام فراتر از اختیار مدیر داخل در اهلیت شرکت است؛ بنابراین صرفاً برای مدیر ایجاد مسئولیت می‌کند.^۵

۱. Brayan A. Garner, Black law dictionary, West Group, 1991, P1528.

۲. Charlesworth & Morse, Company Law, 199, Fifth Edition, p.24.

۳. Mack Frank A. The law on Ultra Vires Acts and Contracts of Private Corporations, 1930, P 112.

۴. lawteacher.net.

۵. Gregory, Roger, Rolled Steel, Products (Holdings) Ltd. v. British Corporation, The modern law Review, Vol. 48, No. 1. 1985.

در نظام کامن لا شرکت‌هایی که با فرمان سلطنتی^۱ تأسیس می‌شدند مانند اشخاص حقیقی دارای اهلیت قراردادی کامل بودند؛ بنابراین قراردادهای منعقد شده با چنین شرکت‌هایی لازم‌الاجرا بود، اگرچه موضوع قرارداد برای آن‌ها ممنوع شده یا در فرمان مزبور برای انجام آن موضوع اختیاری اعطا نشده بود. در مقابل، شرکت‌هایی که به موجب قانون موضوعه تأسیس می‌شدند صرفاً در حدود اهداف و موضوعاتی که برای آن تشکیل و در شرکت‌نامه و اساسنامه قید می‌گردید دارای اهلیت قراردادی بودند. در بیانی دیگر اهلیت قراردادی این شرکت‌ها با قاعده تجاوز از حدود اختیار محدود شده بود. به موجب این قاعده هر اقدام خارج از موضوعات مندرج در اساسنامه و شرکت‌نامه برای شرکت، غیرمجاز و باطل بوده، حتی با تأیید و تنفیذ سهامداران به اتفاق آراء نیز چنین معامله‌ای و جاهت قانونی نمی‌یافت؛ زیرا شرکت در اصل فاقد چنین اختیاری بود.^۲

۲-۱- مبانی

در مورد مبنای حقوق شرکت‌ها دو نظریه مطرح شده است؛ نظریه قراردادی و نظریه سازمانی. در رویکرد قراردادی، «منافع سهامداران» با توجه به اصل نسبی بودن قراردادهای در اولویت قرار می‌گیرد، اما در رویکرد سازمانی، دولت دخالت بیشتری در حقوق شرکت‌ها دارد و از این طریق از گروه‌های مختلفی حمایت به عمل می‌آورد.^۳ «طرفداران نظریه تأسیس حقوقی که جایگزین طرز فکر قراردادی شرکت گردیده است، سازمان حقوقی را پیشنهاد می‌نمایند که دارای شخصیت حقوقی بوده و با مقررات مستقل و اعضای داخلی خود به هدف شرکت تحقق می‌بخشد. امروزه سازمان شرکت برای جوابگویی به خصوصیات مذکور که شامل مجامع شرکت، هیات مدیره، مدیرعامل و غیره می‌باشد وسیله قانون‌گذار پیش‌بینی شده است. به علاوه منظور از هدف شرکت همان موضوع آن است و مقررات مربوط، اعم از قانون و اساسنامه همان‌طوری که اشاره شد به اعضای تحمیل می‌شود به عبارت دیگر فقط شریک اراده خود را به هنگام پذیره‌نویسی اعلام می‌دارد ولی در واقع چنین عملی الحاق به سازمانی

۱. Royal Charter.

۲. G.H. Treitel, The Law of Contracts, London, Sweet and Maxwell, 1955, p.515.

۳. پوررشید، سیده زهرا، پیشین، ص ۲۳-۳۱.



است که پیدایش آن وسیله قوانین آمره پیش‌بینی گردیده است.^۱ یکی از نظریاتی که راجع به هدف حقوق شرکت‌ها مطرح شده است، «نظریه سهامداران»^۲ است. بر مبنای این نظریه قلمرو شرکت محدود به سهامداران، مدیران و خود شرکت است، مطابق این نظریه تنها تعهد تصمیم‌گیرندگان شرکت، تمرکز بر منافع سهامداران و تلاش برای حداکثر سازی ثروت سهامداران است.^۳ همچنین قوانین حاکم بر شرکت باید در درجه نخست به نحوی طراحی و تنظیم شود که بر محافظت و حمایت از منافع سهامداران باشد و قوانین بایستی منحصراً برای حفظ و افزایش منافع سهامداران باشد.^۴ به عبارتی تنها یک مسئولیت اجتماعی وجود دارد و آن به کارگیری و استفاده از منابع و پرداختن به فعالیت‌هایی است که منجر به افزایش سود بنگاه شود، البته در چارچوب قوانین در قالب رقابت آزاد به‌دوراز رقابت مکارانه.

نظریه دیگری که در زمینه حقوق شرکت‌ها مطرح شده، «نظریه ذی‌نفعان»^۵ است. اساس نظریه ذی‌نفعان این است که شرکت‌ها بسیار بزرگ شده‌اند و تأثیر آن‌ها بر جامعه هر روز گسترش می‌یابد، در نتیجه باید در راستای تحقق اهداف خود به طیف وسیع‌تری از عوامل - علاوه بر سهامداران - توجه داشته باشد.^۶ به موجب این نظریه باید علاوه بر سهامداران، به منافع سایر گروه‌ها از قبیل اشخاص ثالث نیز در شرکت توجه شود. این نظریه جدیدتر است و توجیه آن نیز با نظریه‌سازمانی بودن شرکت امکان‌پذیر است.

در خصوص مبنای قاعده مورد بحث یکی از نویسندگان بیان می‌دارد که اعمال قاعده آلترا وایرز ابتدائاً در شرکت‌هایی که در قرن ۱۹ و در قلمرو محدود فعالیت‌های اقتصادی ایجاد شدند، با ماهیت قراردادی ظهور یافت. گفتنی است این شرکت‌ها به موجب قوانین خاص پارلمان در صنایع سودمند تأسیس می‌شدند که باید در محدوده اهلیت قراردادی خود فعالیت

۱. عرفانی، محمود، حقوق تجارت تطبیقی، تهران، جنگل، ۱۳۸۸ ص ۲۶۶.

۲. Shareholders theory.

۳. Jill, Fisch, Measuring Efficiency in Corporate Law, The Journal Of Corporation Law, Vol.3 P. 646.

۴. Becht, Marco, Corporate governance and control, University Libre Debruxelles and ECGL, 2005, p.9.

۵. Stakeholders theory.

۶. Hill Charles W.L. and Tomas Mc Jones, Stakeholders – Agency Theory, Journal of management study, 29, 1992, P. 133.

می کردند.^۱ با توجه به تعریفی که از آلتر وایرز - در بند ۲-۱ - ارائه شده، قراردادی بودن مبنای آن مبرهن است؛ زیرا با توجه به اسناد شرکت، تعهد شده است که شرکت در موضوع مشخصی اقدام کند؛ اما قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ انگلیس بر پایه نظریه‌سازمانی بودن نهاد شرکت تدوین شده و قانون‌گذار درصدد حمایت از ثالث به‌عنوان یکی از ذی‌نفعان برآمده است، حال آنکه رویکرد حمایت از ثالث در نظریه قراردادی بودن شرکت جایگاهی ندارد. برخی از نویسندگان دلیل تأسیس این قاعده را جلوگیری از تقاضای زیاد ثبت شرکت و حمایت از بستانکاران و سهامداران اعلام کرده‌اند؛ زیرا به موجب این قاعده سرمایه شرکت در تجارت اعلام شده به کار گرفته می‌شود و مورد حفاظت قرار می‌گیرد.^۲

محدود کردن اهلیت شرکت در واقع جلوگیری از تمرکز قدرت اجتماعی و اقتصادی در شرکت‌ها نیز اعلام شده، شاید بدین دلیل بوده است که در گذشته صرفاً شرکت‌هایی که با مجوز سلطنتی تشکیل می‌شدند با محدودیت موضوعی مواجه نبودند. شایان توجه است که ترس حاکمیت‌ها از قدرت شرکت‌ها بی‌منا نبوده است؛ زیرا امروزه سازمان‌های تجاری به دلیل برخورداری از قدرت اقتصادی از نظر سیاسی و اجتماعی نیز مورد توجه هستند، تا اندازه‌ای که مدیران و صاحب‌منصبان این شرکت‌ها با دولتمردان قابل مقایسه دانسته شده‌اند.^۳

۲- ضمانت اجرای تخلف از نظریه آلتر وایرز

۲-۱. رویکرد سنتی؛ «اهلیت شرکت»

تا قبل از تصویب قانون شرکت‌های سهامی ۱۸۵۶، قاعده آلتر وایرز راجع به شرکت‌های سهامی^۴ اعمال نمی‌شد. در واقع قبل از تصویب قانون ۱۸۵۶ ماهیت قراردادی شرکت‌های سهامی شبیه ماهیت «مشارکت تجاری»^۵ بود؛ بنابراین هر نوع اقدام قراردادی با تأیید اعضای

۱. Griffin, Stephen, The Rise and Fall of the Ultra Vires Rule in Corporate Law, Mountbatten Journal of Legal Studies, 1998, p.5.

۲. Davies, L. Paul, Gower's Principle of Modern Company Law, Sweet & Maxwell, 1999, P.203.

۳. طوسی، عباس، تحلیل اقتصادی حقوق شرکت‌ها، تهران موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳، ص ۱۹.

۴. joint stock company.

۵. business partnership.

شرکت به اتفاق آراء معتبر بود. قانون ۱۸۵۶ به تبعیت از قانون ۱۸۵۵ شرکت را واجد شخصیت حقوقی دانست و مسئولیت محدود را برای حمایت از اعضاء و سهامداران شرکت پیش‌بینی کرد. متعاقب آن، وضعیت بستانکاران آینده شرکت ناامن شد؛ زیرا اموال شخصی سهامداران شرکت در مقابل آنان مصون باقی می‌ماند. برای «حمایت از طلبکاران» و «امنیت سرمایه موجود و سهامداران آینده» قانون‌گذار درصدد پذیرش «اهلیت شرکت» برآمد.^۱ در قانون ۱۸۵۶ تصریح شد که در اساسنامه باید «موضوع شرکت» ذکر شود؛ ماده‌ای که اهلیت قراردادی شرکت را تعریف می‌کند.

در دعوای آشبوری^۲ مجلس اعیان چنین رأی داد که شرکت از اهلیت قراردادی خارج شده است؛ بنابراین هر فعالیتی که خارج از موضوع شرکت انجام شده، خارج از اختیارات قانونی (آلترا وایرز) و باطل است. شرکت آشبوری که به موجب قانون شرکت‌های ۱۸۶۲ تشکیل شده و موضوع آن ساخت، فروش، اجاره یا کرایه کوپه، واگن، ماشین‌آلات و ... بود، قراردادی جهت ساخت راه‌آهن در بلژیک منعقد کرد. با طرح دعوا علیه آن شرکت، مجلس اعیان اعلام کرد قراردادهای مالی منعقدشده جهت ساخت راه‌آهن در بلژیک مصداق آلترا وایرز بوده و بنابراین باطل است؛ زیرا موضوع این قرارداد خارج از حدود اختیارات (اهلیت) شرکت است. باید متذکر شد در موضوع شرکت قیدشده بود که گسترش فعالیت شرکت، فراتر از موضوع آن که در اساسنامه بدان تصریح شده با تصمیم خاص امکان‌پذیر است، باین وجود مجلس اعیان اعلام کرد که تصویب اقدام شرکت، حتی با توافق همه سهامداران امکان‌پذیر نیست.

در دعوای آشبوری، نظریه آلترا وایرز به صورت مطلق اعمال گردید؛ اما از این اطلاق به مرور زمان کاسته شده است. در دعوای دیگری^۳ که در سال ۱۸۸۰ مطرح گردید قدم اولیه در راستای انعطاف قاعده آلترا وایرز برداشته شد. در این دعوا دو شرکت باهم ادغام شده و با شرکت ثالث قراردادی مبنی بر اینکه شرکت مذکور به آن‌ها لکوموتیو و ریل کرایه دهد منعقد کردند دادگاه رأی داد که این قرارداد خارج از موضوع شرکت نیست؛ زیرا موضوع

۱. Griffin, Stephen, op. cit. p.5.

۲. Ashbury Rly Carriage and Iron Co v Riche.

۳. Attorney-General v Great Eastern railway Co.

قرارداد منعقدۀ «به‌طور ضمنی» داخل در موضوع اصلی شرکت است.^۱

تا سال ۱۹۸۵ قوانین حاکم بر شرکت‌های تجاری، شرکت‌ها را ملزم به تعیین موضوعی خاص در اساسنامه شرکت کرده بودند. از آنجا که این دیدگاه مانع توسعه فعالیت‌های تجاری شرکت می‌شد، شرکت‌ها برای حل این مشکل موضوعات متنوعی را تحت عنوان موضوع شرکت در اساسنامه ذکر می‌کردند؛ دادگاه‌ها نیز در راستای تعدیل قاعده آلترا وایرز این رویکرد را پذیرفته بودند.^۲

در گذشته شخص ثالث در صورتی می‌توانست قرارداد را به استناد آلترا وایرز ابطال کند که شرکت تعهد را اجرا نکرده باشد زیرا فلسفه ایجاد این قاعده، حمایت از شرکت یا سهامداران آن بود.^۳

شایان توجه است که قبل از قانون شرکت‌های ۱۹۸۹ دو رویکرد در تفسیر قاعده مورد بحث مطرح بود. برخی رویکردی مضیق داشتند؛ بدین توضیح که موضوع شرکت را به اصلی و فرعی تقسیم می‌کردند و هر اقدام خارج از «موضوع اصلی شرکت» را آلترا وایرز تلقی می‌کردند و در مقابل در رویکرد تفسیر موسع، تفاوتی بین موضوع اصلی و فرعی قائل نبودند و هر اقدامی که به موجب تفسیر داخل در موضوعات فرعی نیز قرار می‌گرفت، خارج از موضوع تلقی نمی‌شد.^۴ در واقع در رویکرد اخیر که به مرور غلبه یافت، هدف این بوده که موضوع شرکت وسیع‌تر تلقی شود و متعاقب آن از قلمرو قاعده «ممنوعیت اقدام خارج از موضوع شرکت»، کاسته شود.

۲-۲- رویکرد جدید؛ «حمایت از اشخاص ثالث»

قوانین شرکت‌های ۱۹۸۵، ۱۹۸۹ و ۲۰۰۶ در باب معاملات خارج از موضوع شرکت، به سمت «حمایت از شخص ثالث» گرایش پیدا کردند. بررسی قوانین مذکور انعطاف در اعمال

۱. Talbot, LE, Critical Company Law, Routledge-Cavendish, 2008, p. 101.

۲. Sealy, Len and Worthington, Sarah, Case and Materials in Company Law, Oxford University Press, p.107.

۳. Farrar, John H. Nigel. E. Hannig, Berenda, Farrar's Company Law, Butter worth s, 1991, p. 110.

۴. lawteacher.net.

مطلق را ثابت می‌کند. تغییرات این قاعده، در قوانین یادشده به ترتیب تاریخی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱-۲-۲- قانون شرکت‌های ۱۹۸۵

ماده ۳۵ قانون ۱۹۸۵ مهم‌ترین ماده در ارتباط با قاعده آلترا وایرز است. به موجب بند ۱ ماده مذکور «شخص ثالث با حسن نیتی که با شرکت معامله می‌کند فرض بر این است که آن معامله داخل در اهلیت شرکت است و اختیار مدیران در ایجاد تعهد برای شرکت، منحصر به حدود مقرر در اساسنامه شرکت نیست».

در بند ۲ ماده ۳۵ آمده است: «شخصی که با شرکت معامله می‌کند ملزم به بررسی اهلیت شرکت و همچنین حدود اختیارات مدیر برای انجام معاملات نیست و فرض بر این است که حسن نیت دارد، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود».

اگرچه ماده ۳۵ قانون ۱۹۸۵ تا حدودی قاعده آلترا وایرز را بی‌اثر کرده اما روح این نظریه همچنان باقی است؛ زیرا تعیین موضوع برای شرکت به موجب قانون پیش‌گفته همچنان ضروری است؛ بنابراین نظریه «اطلاع فرضی یا قانونی»^۱ هنوز اثرگذار است؛ یعنی مسئولیت عدم آگاهی از موضوع شرکت بر عهده شخص ثالث است. بدین توضیح که با آگاهی محتوای اساسنامه فرض بر این است که همه کسانی که طرف معامله با شرکت واقع می‌شوند، به محتوای اساسنامه آگاهی دارند.^۲ گرچه قانون‌گذار با فرض دیگری در صدد تعدیل این نتیجه برآمده است ولیکن اثبات خلاف بند ۲ ماده ۳۵ وضعیت را به حالت گذشته بازمی‌گرداند. برای حل این مشکل پیشنهاد شده است که شرکت از «شرط موضوع کوتاه» بهره‌گیرد؛ بدین توضیح که در عبارتی کوتاه ذکر شود که شرکت مجاز در انجام معامله در هر موضوعی می‌باشد در واقع شرط کوتاه در مقابل «شرط موضوع طولانی» مطرح شده است.^۳ شرط موضوع طولانی با این ایراد مواجه بود که شخص ثالث به دلیل طولانی بودن بند راجع به توصیف موضوع شرکت، از مطالعه کامل آن اجتناب نموده، به سادگی وارد معامله با شرکت می‌شود.

۱. Constructive notice.

۲. llphelpline.com.

۳. lawteacher.net.

۲-۲-۲- قانون شرکت‌های ۱۹۸۹

وجود نظریه آلترا وایرز در عرصه تجارت امری ناخوشایند بود و آثار آن با انتقادات شدیدی مواجه شد، در نتیجه قاعده مذکور نیازمند اصلاحات اساسی بود. از طرفی الحاق به جامعه اقتصادی اروپا این ضرورت را ایجاد می‌کرد که دستورالعمل‌های جامعه اروپا در خصوص شرکت‌ها، از جمله اولین دستورالعمل آن (به شماره 68/151 EC) در قوانین داخلی گنجانده شود و اصلاحات لازم در این راستا صورت پذیرد. مطابق ماده ۹ دستورالعمل فوق‌الذکر معاملات و اقدامات انجام‌شده به وسیله ارگان‌های شرکت، حتی اگر خارج از موضوع شرکت باشد، باید نسبت به شرکت لازم‌الاجرا باشد. از این روی اصلاح قاعده تجاوز از حدود اختیار ضروری می‌نمود تا اینکه در اصلاح قانون شرکت‌ها در سال ۱۹۸۹ به تبعیت از ماده یک قانون ۱۹۷۲ اتحادیه اروپا^۱ به تحقق پیوست.

اهلیت شرکت در قانون شرکت‌های تجاری ۱۹۸۵ در ماده ۳۵ تبیین شده بود که در قانون ۱۹۸۹ در مواد ۳۵، الف و ۳۵ ب آمده است. هر یک از این مواد نیز از چند بند تشکیل شده است. به موجب قانون فوق‌الذکر قراردادی که توسط شرکت منعقد می‌شود در صورتی که خارج از اهلیت آن باشد، باطل نیست؛ زیرا بند ۱ ماده ۳۵ مقرر می‌دارد: «اعتبار عمل حقوقی که شرکت انجام می‌دهد نباید به دلیل فقدان اهلیت آن وفق اساسنامه، مورد خدشه قرارگیری، ولیکن مدیر در برابر ضرری که به شرکت وارد نموده است، مسئول می‌باشد». در ادامه بند ۳ ماده ۳۵ بیان می‌دارد که مدیران موظف به رعایت محدودیت‌های مقرر در اسناد مؤسس شرکت (اساسنامه - شرکت‌نامه) هستند. در صورتی که مدیر خارج از حدود اختیارات خود عمل کند مسئول است و تصمیم خاص شرکت در راستای تنفیذ معامله مدیر منجر به معافیت وی از مسئولیت نمی‌شود. در واقع عدم مسئولیت مدیر نیز باید به صورت جداگانه به تصویب برسد.

۱. «In favour of a person dealing with a company in good faith, any transaction decided on by the directors shall be deemed to be one which it is within the capacity of the company to enter into, and the power of the directors to bind the company shall be deemed to be free of any limitation under the memorandum or articles of association...»

به موجب ماده ۳۵ (الف) شرکت نمی‌تواند قراردادی که توسط مدیر خارج از اختیارات اساسنامه‌ای وی منعقد می‌شود را باطل اعلام کند. البته این مقرر در صورتی اعمال می‌شود که طرف معامله با شرکت حسن نیت داشته باشد. شایان توجه است که حسن نیت به موجب بند (ج) (۲) ماده الف ۳۵ قانون ۱۹۸۹ مفروض است. به موجب بند (ب) (۲) ماده ۳۵ چنانچه شخصی با شرکت معامله کند و بداند شرکت خارج از حدود اختیار عمل کرده است، سوء نیتش مفروض است.

در صورتی که شخص ثالث بداند که مدیران اختیار انجام معامله‌ای را ندارند اما از عواقب معامله با مدیر فاقد اختیار اطلاع نداشته باشد، شخص ثالث با سوء نیت محسوب می‌شود و نظریه آلترا وایرز نیز در این مورد اعمال خواهد شد؛ زیرا در ماده (ب) (۲) ۳۵ قانون شرکت‌های ۱۹۸۹ آمده اگر شخص ثالث بداند که عملی بر اساس اساسنامه خارج از اختیار مدیران است و باین وجود با شرکت معامله کند شخص با سوء نیت تلقی می‌شود؛ بنابراین اثبات عدم اطلاع از عواقب معامله با مدیر فاقد اختیار، لزوماً مثبت حسن نیت شخص ثالث نیست.

قانون شرکت‌های ۱۹۸۹ به شرکت اهلیت کامل و نامحدود نمی‌دهد، بلکه اهلیت قانونی شرکت‌ها - همان‌گونه که در مقررات کامن لا بوده است - را تابع موضوعات مندرج در اساسنامه و شرکت‌نامه دانسته است؛ اما شرکت و اشخاص ثالث طرف معامله با شرکت را از زیر سوال بردن اقدام و معامله شرکت به لحاظ مرتبط نبودن عمل یا معامله با موضوع شرکت یا خارج بودن آن‌ها از اختیار شرکت، ممنوع نموده است.^۱ البته «نظریه اطلاع فرضی یا قانونی» به موجب قانون ۱۹۸۹ منسوخ گردید.^۲ کمیته جنکینز در سال ۱۹۶۲ تعدیل قاعده و حمایت از اشخاص ثالث با حسن نیت را توصیه کرد. بدین توضیح که در صورتی که ثالث اخطاری مبنی بر تجاوز از موضوع شرکت دریافت نکرده باشد، معامله در رابطه با ثالث صحیح می‌باشد. در واقع قانون ۱۹۸۹ از پیشنهاد این کمیته پیروی کرده است.

۳-۲-۲- قانون شرکت‌های ۲۰۰۶

۱. Pennington, Robert, Pennington's Company Law, London, Butterworth, 1995, p 97.

۲. lawteacher.net.

قانون گذار انگلیس در باب چهارم قانون شرکت های ۲۰۰۶ تحت عنوان «اهلیت شرکت و موضوعات مربوطه» به موضوع اهلیت شرکت تجاری پرداخته است. ماده ۳۹ (بند ۱) قانون مذکور مقرر می دارد: اعتبار عمل حقوقی که شرکت انجام می دهد نباید به دلیل فقدان اهلیت آن، به استناد مندرجات اساسنامه، مورد خدشه قرار گیری. نکته قابل توجه اینکه قانون گذار در بند ۲ همان ماده شرکت های موضوع ماده ۴۲ را از این قاعده استثناء کرده است. به موجب ماده ۳۹ قانون ۲۰۰۶ شرکت های خیریه ای^۱ نمی توانند خارج از موضوع به فعالیت بپردازند؛ بنابراین اهلیت شرکت های مذکور محدود به موضوع آن است و به عبارت دیگر نظریه آلترا وایرز در مورد شرکت های خیریه ای به طور کامل اجرا می شود. بدیهی است هدف قانون گذار از وضع استثناء مذکور، این است که شرکت های مذکور صرفاً به امور خیریه ای که فلسفه تأسیس آنها بوده، بپردازند.

شایان ذکر است که هم اکنون در حقوق انگلیس نیازی به ذکر موضوع در اساسنامه شرکت نیست؛ زیرا به موجب بند ۱ ماده ۳۱ قانون شرکت های ۲۰۰۶ موضوع شرکت نامحدود است. در واقع این ماده اثر «اطلاع قانونی» را از بین برد؛ بدین مفهوم که تکلیف شخص ثالث برای آگاهی از موضوع شرکت به واسطه آگاهی ثبت آن منتفی شده است. با این حال ممکن است موضوع شرکت به موجب اساسنامه آن محدود شود. در صورت محدودیت موضوع شرکت، اگر مدیران معامله ای انجام دهند که خارج از اختیارشان باشد وضعیت حقوقی معامله و مسئولیت مدیر مورد بازخواست قرار می گیرد. در فرض فوق به موجب بند ۲ ماده ۴۲ قانون ۲۰۰۶ درجایی که شرکت قراردادی منعقد نماید و طرف معامله مدیر شرکت و یا اشخاص وابسته به مدیر باشند، معامله در رابطه با شرکت قابل ابطال^۲ است؛ بنابراین معامله خارج از موضوع شرکت در رابطه با اشخاص ثالث صحیح و در رابطه مدیر و شرکت قابل ابطال است. مشاهده می شود نظریه آلترا وایرز در قانون ۲۰۰۶ تعدیل شده است. به بیان دیگر اثر بیرونی نظریه از بین رفته است و اثر آن تنها در رابطه با مدیر و شرکت باقی مانده است.^۳ فرض ماده

۱. Charitable companies.

۲. Voidable.

۳. Sheikh, Saleem, A Guide to the Companies Act 2006, Routledge – Cavendish, New York, 2008, p.253.

ناظر به موردی است که شخص ثالثی که با شرکت معامله می‌کند، با حسن نیت باشد. به موجب ماده ۴۰ قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ شخصی که با حسن نیت با شرکت معامله می‌کند، ملزم به بررسی موضوع شرکت نیست. نکته قابل ذکر این است که به موجب قسمت (ب) بند ۳ ماده ۴۰ فرض بر این است که طرف معامله با شرکت دارای حسن نیت بوده و تنها به این دلیل که می‌دانسته است مدیران خارج از موضوع اقدام کرده‌اند، نمی‌توان مشارالیه را شخصی با سوء نیت محسوب کرد.

بند ۳ ماده ۴۱ قانون مذکور به مسئولیت مدیر متخلف می‌پردازد. به موجب این بند صرف نظر از اینکه معامله باطل اعلام شود یا نه مدیری که معامله را منعقد کرده است و اشخاص وابسته به وی و همچنین مدیری که معامله خارج از موضوع را اجازه داده است، مسئول هستند. حدود یا میزان مسئولیت مدیر به موجب قسمت (الف) و (ب) بند ۳ ماده ۴۱ شامل هر آن چیزی است که مدیر به موجب معامله به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به دست آورده یا هرزیانی که شرکت متحمل گردیده است.

با توجه به روند تعدیل قاعده آلترا وایرز در حقوق انگلیس، می‌توان به این نتیجه رسید که تعدیل قاعده مذکور در راستای منافع اشخاص ثالث صورت گرفته است؛ زیرا قانون‌گذار سعی کرده تا خدش‌های به معامله شرکت با اشخاص ثالث دارای حسن نیت وارد نشود. در معنی دیگر، قانون‌گذار در راستای «درونی کردن هزینه‌های اجتماعی» برآمده است؛ بنابراین در حقوق انگلیس باهدف «حمایت از اشخاص ثالث»، اثر قاعده آلترا وایرز در حال حاضر از بین رفته است. چنانچه شرکت در اساسنامه موضوعش را محدود کرده باشد، این قاعده صرفاً در روابط درونی شرکت قابل اعمال خواهد بود.

۳- ضمانت اجرای معاملات خارج از موضوع شرکت در حقوق ایران

در مورد ضمانت اجرای معاملات خارج از موضوع شرکت در حقوق ایران، به لحاظ عدم تصریح قانونی، دو نظریه مطرح شده است که مبنای حقوقی این دو دیدگاه متفاوت است. در این مبحث نخست نظریه‌ها و مبانی آن‌ها مطرح خواهد شد سپس به ارزیابی و نقد آن‌ها خواهیم پرداخت.

۳-۱- نظریه بطلان

اکثر نویسندگان در تفسیر و تحلیل مقررات ناظر به موضوع شرکت، وارد بحث اهلیت اشخاص حقوقی شده و با تأکید بر تحدید اهلیت تمتع شرکت به موضوع تعیین شده در اساسنامه یا شرکت‌نامه، اقدامات و معاملات خارج از موضوع تعیین شده را باطل می‌دانند. برخی از طرفداران این نظریه نیز بطلان قرارداد خارج از موضوع را با تئوری حمایت از شرکت توجیه نموده‌اند.

۳-۱-۱- رویکرد حمایت از شرکت

در توجیه بطلان قراردادهای خارج از موضوع شرکت، گروهی از حقوقدانان، تخلف مدیران را به استناد نظریه «حمایت از شرکت»، باطل می‌دانند. از دیدگاه یکی از نویسندگان: «اقدامات و تصمیمات مدیران در مقابل اشخاص ثالث در صورتی معتبر است که در حدود موضوع شرکت باشد (ماده ۱۱۸ لایحه قانونی ۱۳۴۷). این قاعده با این منطبق حقوقی منطبق است که مدیران نمی‌توانند بیشتر از شرکت دارای حق باشند... همان‌طور که ملاحظه می‌کنیم، راه‌حل قانون‌گذار ایران برای حفظ حقوق شرکت و شرکای شرکت مقرر شده است و بیشتر با قواعد و کالت مطابقت دارد»^۱.

در تحلیل دیگری از ماده مذکور تأکید شده علت بی‌اعتباری معامله خارج از موضوع، عدم اهلیت شرکت نیست، بلکه ((حمایت از خود شرکت در برابر دست‌اندازی مدیران و اشخاص ثالث به حقوق بنیادین شرکت و سهامداران)) دلیل بی‌اعتباری قرارداد است. این حقوقدان معتقد است درجایی که شرکت تعهد خارج از موضوع خود را ایفاء نموده، شخص ثالث نمی‌تواند با این استدلال که معامله در حدود موضوع شرکت نبوده از انجام تعهد خود سرباز زند؛ زیرا هدف از وضع ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت. راجع به بی‌اعتباری معامله خارج از موضوع، حمایت از شرکت در برابر قاعده نامحدود اختیارات مدیران است.^۲

حقوقدان دیگری در مبحث محدودیت اختیارات مدیران و تحلیل ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت.

۱. اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت «شرکت‌های تجاری»، جلد ۲، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت ۱۳۷۷، ۱۵۴-۱۵۳.

۲. پاسبان، محمدرضا، حقوق شرکت‌های تجاری، چ ششم، تهران، انتشارات سمت ۱۳۹۰، ۲۰۶-۲۰۵.

معتقد است که ((در حقوق ایران تصمیمات و اقدامات خارج از موضوع شرکت توسط مدیران، شرکت را متعهد نمی‌سازد)).^۱ همچنین استدلال شده: ((در حقوق ایران، تعیین موضوع فعالیت اشخاص حقوقی و از آن جمله شرکت‌ها واجد اهمیت است؛ زیرا که این امر در حقوق و تعهدات شرکت مؤثر است (ماده ۱۱۸ ق.ت.)، اقدامات مدیران شرکت که در حدود موضوع فعالیت شرکت صورت گرفته باشد، شرکت را متعهد می‌سازد، هر چند که مدیران در خارج از اختیاراتی که بر اساس تصمیمات مجامع عمومی یا اساسنامه تعیین شده، عمل نمایند؛ بنابراین علی‌الاصول می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که معاملات خارج از موضوع شرکت، شرکت را متعهد نمی‌سازد)).^۲ نتیجه منطقی این برداشت‌ها، باطل تلقی نمودن اعمال حقوقی خارج از موضوع تعیین شده، نسبت به شرکت باهدف حمایت از نهاد شرکت است.

ماده ۲۰۸ لایحه تجارت ۱۳۹۱ مقرر می‌دارد: «مدیر یا مدیران شرکت کلیه اختیارات لازم برای تصمیم‌گیری در مورد اداره شرکت را دارند جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم درباره آن‌ها در صلاحیت خاص مجمع عمومی عادی یا فوق‌العاده است. محدود کردن اختیارات مذکور به موجب اساسنامه و یا تصمیمات مجامع عمومی تنها در روابط بین مدیر یا مدیران و شرکت معتبر است و در مقابل اشخاص ثالث ناآگاه قابل استناد نیست».

ماده پیشنهادی که در واقع متن اصلاح‌شده ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت. است، محدودیت موضوعی که به موجب آن ماده، مدیر شرکت با آن مواجه بوده را حذف نموده است؛ بنابراین نظریه بطلان مبتنی بر حمایت از شرکت که بر مبنای محدودیت موضوعی مذکور در ماده ۱۱۸ مطرح شده بود در لایحه تجارت با رویکرد حمایت از اشخاص ثالث در برابر تصمیمات داخلی شرکت، قابلیت طرح ندارد. این تغییر اساسی با رویکرد درونی کردن هزینه‌های تأسیس شرکت و جلوگیری از تزلزل منافع قراردادی اشخاص ثالث در برابر تصمیمات داخلی شرکت که معمولاً در زمان انعقاد قراردادها مورد توجه قرار نمی‌گیرد، مورد پیشنهاد تهیه‌کنندگان لایحه قرار گرفته است.

۲-۱-۳. رویکرد مبتنی بر اصل تخصص

۱. عرفانی، محمود، پیشین، ص ۳۳۹.

۲. صفار، محمدجواد، شخصیت حقوقی، چاپ دوم، تهران، انتشارات بهنامی ۱۳۹۵، ص ۳۸۷.

در رابطه با اهلیت شرکت تجاری و دامنه آن میان نویسندگان حقوقی اتفاق نظر وجود ندارد. برخی اهلیت شرکت تجاری به ترتیب مقرر در ماده ۵۸۸ قانون تجارت را مطلق ندانسته و علاوه بر استثنای مندرج در ماده مذکور، اهلیت شرکت را محدود به موضوع اعلام شده در شرکت نامه یا اساسنامه آن می دانند. یکی از نویسندگان حقوق اداری به استناد «اصل تخصص» اقدامات خارج از موضوع اشخاص حقوقی را بی اعتبار می داند. ایشان با این اندیشه که علت وجودی شخص حقوقی، هدف و موضوع خاص آن است و از آنجایی که قانون گذار برای نیل به این هدف به اعطای شخصیت حقوقی اقدام نموده، رعایت اصل تخصص را حتمی و اقدام خارج از آن را به دلیل خروج از اهلیت باطل می داند.^۱ در حقوق خصوصی، مؤسسات تجاری و غیر تجاری باید حتماً موضوع معینی داشته باشند. قانون مؤسسين و تشكيل دهندگان مؤسسات مزبور را مکلف می نماید که موضوع مؤسسه خود را صراحتاً معین و حدود وظایف آن را مشخص سازند. مسلماً عمل برخلاف اساسنامه و عدول از موضوع مؤسسه، سبب بطلان اعمال و تصمیمات آن می باشد و به هر شخص ذینفعی حق می دهد که به دادگاه مراجعه و حکم بطلان آن تصمیمات را خواستار شود.^۱ «آنچه به عنوان «اصل تخصص» یا «اصل اختصاصیت شخص حقوقی» در ارتباط با اشخاص حقوقی شناخته شد، در محدودسازی قاعده مندرج در ماده ۵۸۸ نقشی بنیادین بازی می نماید. بدین معنا که اشخاص حقوقی بایستی تنها در حدود صلاحیت قانونی خود که در قانون یا اساسنامه آن ها مذکور افتاده عمل نمایند. به موجب این نظر، دولت تنها شخصیت حقوقی است که از اصل اختصاصیت شخصیت حقوقی مستثنا شده است».^۲

دکتر ستوده تهرانی، معاملات خارج از موضوع شرکت سهامی را به این دلیل قابل ابطال می داند که: «شرکت سهامی برای موضوع معینی تشکیل می شود و خارج از موضوعی که در اساسنامه پیش بینی شده است، نمی تواند به فعالیت دیگری مبادرت نماید. چون طبق ماده ۵۸۸ قانون تجارت شخص حقوقی می تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است، بنابراین شرکا شرکت می توانند هر گونه عملی را که افراد بتوانند انجام دهند،

۱. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴، ص ۴۹.

۲. پاسبان، محمدرضا، «اهلیت شرکت های تجاری و حدود اختیارات مدیران شرکت های تجاری»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۵۱، بهار ۱۳۸۹، ص ۳۶.

موضوع شرکت قرار دهند ولی بعد از آنکه موضوع شرکت تعیین گردید، نمایندگان مجاز شرکت موظف اند موضوع مزبور را مورد نظر قرار داده و خارج از موضوع مزبور اقدامی نکنند. مدیران شرکت چنانچه برخلاف اساسنامه مبادرت به عملیاتی کنند که خارج از موضوع شرکت باشد، شخصاً مسئول بوده و هر یک از شرکا و کسانی که با شرکت معامله کرده اند می توانند ابطال عملیات مزبور را تقاضا کنند.^۱

حقوقدان دیگری علیرغم این که اهلیت تمتع شرکت تجاری را اصل و عدم اهلیت آن‌ها را امری استثنایی می داند، موضوع شرکت را استثنایی بر اهلیت عام شرکت‌ها می داند: «موضوع شرکت از این جهت اهمیت دارد که حقوق و وظایف شرکت تجاری محدود به موضوعی می شود که در اساسنامه آن پیش‌بینی شده است و نمی تواند از آن تجاوز کند. به بیان دیگر، موضوع شرکت تجاری، حدود عملیات شرکت و اهلیت آن را معین می کند... بنابراین، از آنجاکه شرکت تجاری خارج از موضوع خود اهلیت تمتع ندارد، اقدامات و تصمیمات ارکان شرکت تجاری (مجامع عمومی، هیات مدیره و مدیرعامل) خارج از موضوع شرکت، باطل است و هر ذینفع می تواند بطلان آن را از دادگاه ذیصلاح درخواست کند.»^۲ وی در تحلیل ماده ۵۸۸ ق.ت. معتقد است: «باید در نظر داشت حقوق و وظایف شرکت محدود به موضوعی می شود که در اساسنامه آن پیش‌بینی شده و از آن نمی توان تجاوز کند. به بیان دیگر، موضوع شرکت که قانوناً باید در شرکت‌نامه و اساسنامه آن پیش‌بینی شود، محدودکننده اهلیت تمتع شرکت تجاری از جمله شرکت سهامی است... کلمه «می تواند» مذکور در متن ماده ۵۸۸ ق.ت. (۱۳۱۱) که مقرر می دارد «شخص حقوقی می تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است...» نشان می دهد که صلاحیت و اهلیت تمتع شخص حقوقی محدود به صلاحیت و اهلیتی است که برای او پیش‌بینی شده، یعنی حقوقی که به او اعطا گردیده و تکالیفی که بر عهده اش گذاشته شده است؛ برخلاف اشخاص حقیقی که دارای کلیه حقوق و تکالیفی هستند که قانون برای آن‌ها قائل است.»^۳ نویسنده‌ای با استقبال از

۱. ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد دوم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۶، ص ۵۳.

۲. عیسایی تفرشی، محمد، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ص ۷۷-۷۴.

۳. همان، جلد دوم، ص ۸۵-۶۰.

استدلال فوق بر این عقیده است که اگر کلمه «شود» را در کنار «می تواند» قرار دهیم استدلال مذکور تکمیل می شود؛ بدین توضیح که عموم و اطلاق ماده ۵۸۸ ق.ت. به مرحله قبل از تشکیل شرکت مربوط می شود و علت استفاده قانون گذار از کلمه «شود» این است که در مرحله تشکیل شرکت مؤسسين می توانند هر نوع فعالیت اقتصادی و تجاری - به جز موضوعات ممنوع - را برای شرکت انتخاب کنند؛ بنابراین با تعیین موضوع، پس از تشکیل شرکت، محدودیت موضوعی ایجاد می شود و معامله خارج از این محدودیت، به دلیل عدم اهلیت شرکت باطل است.

چنانچه اصل تخصص، استثنای دوم اهلیت عام اشخاص حقوقی تلقی شود، بدیهی است که مقصود از بطلان در این نظریه، بطلان مطلق اعمال حقوقی مذکور به معنی فقدان اثر حقوقی است؛ (بنابراین از آنجا که شرکت سهامی (شخص حقوقی) خارج از موضوع خود اهلیت تمتع ندارد، اقدامات و تصمیمات ارکان شرکت سهامی (مجامع عمومی، هیات مدیره و مدیرعامل) خارج از موضوع شرکت باطل است و هر ذینفع می تواند بطلان آن را از دادگاه ذیصلاح درخواست کند... در اینجا منظور ما از بطلان، «بطلان مطلق» است، نه بطلان مذکور در ماده ۲۷۰ ل.ا.ق.ت. (۱۳۴۷) که به مفهوم «قابل ابطال» است.^۲ یکی از طرفداران این نظریه، در حالی که قرارداد فرا موضوعی را خارج از اهلیت شرکت می داند، ضمانت اجرای مقرر در ماده ۲۷۰ ل.ا.ق.ت. را قابل اعمال دانسته سپس از موضع قانون گذار انتقاد نموده است: «به نظر می رسد قانون گذار به جای اینکه قابلیت ابطال را در خصوص قراردادهایی که خارج از موضوع شرکت انجام گرفته مقرر نماید باید بطلان مطلق آن ها را مقرر می داشت؛ زیرا اولاً ضمانت اجرای قابلیت ابطال با مبانی فقهی و حقوقی ما سازگار نمی باشد و بر همین اساس نیز در قلمرو حقوق مدنی و فقه امامیه عقد یا قرارداد قابل ابطال وجود ندارد. ثانیاً، تعیین موضوع در زمان تشکیل شرکت که به وسیله مؤسسين شرکت صورت گرفته و در اساسنامه شرکت درج می گردد در واقع مبتنی بر اراده اشخاص مزبور و به منزله اسقاط حق انجام معاملات خارج از قلمرو موضوع شرکت می باشد و در چنین مواردی اگر معامله انجام گرفته باشد به دلیل

۱. طوسی، عباس، پیشین، ص ۲۰۷.

۲. عیسائی تفرشی، محمد، پیشین، ج ۲، ص ۱۸-۲۰.

فقدان حق انجام معامله، قرارداد مزبور باطل و فاقد هر گونه آثار حقوقی شناخته می‌شود چنانکه قانون‌گذار در موارد متعددی به آن تصریح نموده است.^۱

مبنای این رویکرد حمایت از شرکت نیست، زیرا در مواردی قرارداد خارج از موضوع، به نفع شرکت است، اما چنین رویکردی مانع از بررسی موضوع توسط ارگان تصمیم‌گیرنده شرکت و تصویب اقدام فصولی مدیران (مدیرعامل در شرکت سهامی) است و در هر حال قرارداد را به دلیل فقدان اهلیت به‌عنوان یکی از شرایط اساسی برای صحت معامله، باطل می‌داند. ماده ۱۲۹ لایحه تجارت ۱۳۹۱ بیان می‌دارد: «اشخاص حقوقی کلیه حقوق و تکالیف را که قانون برای اشخاص حقیقی قائل است، دارند، مگر حقوق و تکالیفی مانند حقوق و تکالیف ناشی از ابوت و بنوت که انسان حسب طبیعت خویش می‌تواند داشته باشد».

با این رویکرد تنها استثناء اهلیت شرکت، حقوق و تکالیف ویژه انسان است چرا که کلمه «می‌تواند» حذف شده تا به این تردید که حکم ماده ناظر به قبل از تأسیس شرکت و تعیین موضوع آن در اسناد مؤسس است، پاسخ روشن دهد. هر چند مواد ۱۴۶ و ۱۵۱ لایحه تجارت همچنان الزام به داشتن موضوع را برای شرکت‌ها پیش‌بینی کرده است، لیکن در هیچ‌یک از مواد پیشنهادی، ضمانت اجرای تخطی از موضوع اعلامی، بطلان معاملات خارج از موضوع شرکت تعیین نشده است.

۳-۱-۳- ارزیابی نظریه بطلان

باطل دانستن معاملات خارج از موضوع شرکت با استناد به نظریه «حمایت از شرکت»، در تضاد آشکار با توصیف قانونی اهلیت اشخاص حقوقی به شرح مذکور در ماده ۵۵۸ قانون تجارت است. «آنچه از مقرر بالا به دست می‌آید، به رسمیت شناخته شدن اهلیت عام برای اشخاص حقوقی به‌عنوان قاعده می‌باشد، چرا که استثنای وارد بر قاعده، امور مخصوص انسان‌هاست. این امور اگرچه از باب تمثیل در قسمت اخیر ماده بالا ذکر گردیده، لکن شمار آن‌ها محدود می‌باشد. به سخن دیگر، با توجه به معدود بودن موارد استثنای وارد بر قاعده و حکم به سود آن در صورت تردید، باید قاعده مذکور را عام و مطلق به شمار آورد».^۲

در نصوص قانونی هیچ مقرره‌ای مبنی بر محدود نمودن اهلیت تمتع شرکت به موضوع

۱. سکوتی نسیمی، رضا، حقوق شرکت‌های تجاری، ج ۱، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۹۵، ص ۹۱.

۲. پاسبان، محمدرضا، پیشین، ۱۳۸۹، ص ۱۳۱-۱۳۰.

مندرج در اساسنامه یا شرکت نامه آن وجود ندارد. در واقع ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت. با توجه موقعیت آن، بیانگر حدود اختیارات مدیران صرفاً در قلمرو شرکت های سهامی بوده و استناد به آن برای اعلام بطلان معاملات خارج از موضوع شرکت (حتی شرکت های سهامی)، مغایر مقصود قانون گذار از وضع آن ماده است؛ زیرا لایحه مذکور در بخش ششم، معاملات باطل یا قابل ابطال مدیران و مدیرعامل شرکت سهامی را برشمرده اما برای معاملات خارج از موضوع مندرج در اساسنامه آن شرکت ها که نقض آشکار ماده ۱۱۸ همان لایحه است، ضمانت اجرای مشابهی مقرر ننموده است. با این اوصاف چگونه می توان حکم ماده مذکور را استثنایی بر قاعده عام مندرج در ماده ۵۸۸ ق.ت. ناظر به تمامی انواع اشخاص حقوقی تلقی نمود و این اصل کارآمد را با محدودیتی ساختگی مواجه نمود. «اختیارات مدیران هیچ نسبتی با موضوع شرکت تجاری نداشته و استثنائات وارد بر صلاحیت های مدیران صرفاً در مقام تبیین تحدید اختیارات ایشان و نه اهلیت شرکت وضع شده است. مطابق این نظر، مدیران انعکاس دهنده اراده شرکت در راستای اداره آن بوده و به دلیل عدم امکان ترسیم مرز شفاف میان مفهوم اداره و تصمیم گیری و جلوگیری از تفسیرهای زیان بار در تحلیل حدود اختیارات مدیران، قانون گذار دو استثنا صلاحیت های خاص مجامع و موضوع شرکت را بر صلاحیت عام مدیران مقرر داشته است، بدون آن که استثنائات مزبور مانع از اعمال اهلیت مطلق و آثار حقوقی ناشی از آن از سوی شرکت باشد. در این وضعیت، شرکت با تصمیم مجمع عمومی می تواند با اجازه یا تفیذ اعمال خارج از موضوع شرکت، از اهلیت کامل خود بهره ببرد»^۱.

دلیل تعارض درونی استنتاج قابلیت ابطال قرارداد از مقوله فقدان اهلیت، ناشی از عدم ارتباط موضوع مندرج در اساسنامه شرکت، با اهلیت آن است که این امر سبب گردیده قانون گذار از تصریح به بطلان قرارداد - که ضمانت اجرای منطقی موارد عدم اهلیت است - در این رابطه خودداری نماید. استناد به انحلال شرکت با انتفاء یا انجام موضوع شرکت موضوع مواد ۱۱۴، ۱۳۶، ۱۶۱، ۱۸۱ و ۱۸۹ ق.ت. همچنین ماده ۱۹۹ ل.ا.ق.ت.^۲ نیز دلیل بر بطلان قرارداد خارج از موضوع شرکت نیست، زیرا ارتباط حکمی میان این دو مقوله وجود ندارد و تا زمانی که شخصیت حقوقی شرکت پابرجاست، بهره مند از اهلیت عام مقرر در ماده

۱. همان، ۱۴۹-۱۴۸.

۲. سکوتی نسیمی، رضا، پیشین، ص ۸۹.

۵۸۸ ق.ت. می‌باشد. «دشواری و بلکه ناممکن بودن تمیز حدود اهلیت شرکت منحل‌ه برای اشخاص ثالث و به خطر افتادن امنیت معاملات این اندیشه را تقویت می‌کند که انحلال را مؤثر در اهلیت شرکت ندانیم. بدیهی است عدم اعتقاد به محدود شدن اهلیت شرکت در نتیجه انحلال، به این معنا نیست که اختیارات مدیران محدود نگردد»^۱. ایراد اساسی دیگر بر طرفداران نظریه بطلان این است که نظریه رکن بودن مدیران شرکت را تقویت نموده‌اند که با این وصف می‌توان گفت؛ خود شرکت (و نه نمایندگان آن) با استفاده از اهلیت عام تجویز شده، از موضوع اظهار شده فراتر رفته، لذا قرارداد خارج از موضوع حتی غیر نافذ هم نبوده، باید به صحت آن نظر داد.

از لحاظ مبنا، ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت. برگرفته از ماده ۹۸ قانون تجارت ۱۹۶۶ فرانسه است که با پشت سر نهادن نظریه آلمانی «نماینده‌گی ظاهری» بر پایه آن ماده مدیران شرکت در برابر اشخاص ثالث «اختیارات قانونی نمایندگی»^۲ کسب کرده‌اند و دارای اختیارات کامل برای اقدام لازم در هر شرایطی به نام شرکت هستند که این اختیارات دیگر وابسته به اراده‌ی اشخاص در داخل شرکت نیست.^۳

استناد به «اصل تخصص» نیز در مورد اشخاص حقوقی حقوق خصوصی، مغایر اهلیت عام مدنظر قانون‌گذار است. این اصل که در قلمرو حقوق اداری و به‌منظور رعایت مقررات آمره اداری توسط نهادهای دولتی و مؤسسات عمومی تبیین گردیده، جایگاه حقوقی مهمی در رعایت قوانین راجع به تأسیس و نحوه فعالیت نهادهای مذکور دارد؛ چراکه هر شخصیت حقوق عمومی دارای وظیفه‌ای خاص جهت تأمین نیازهای عمومی و موضوعی مصرح در قوانین راجع به تشکیل و نحوه فعالیت آنهاست. «به نظر می‌رسد که اصل تخصص، تنها تعیین‌کننده حدود اهلیت اشخاص حقوقی وابسته به حقوق عمومی باشد. لذا بر این مبنی، در مقایسه اهلیت و صلاحیت دولت با سایر شخصیت‌های حقوق عمومی بعضی گفته‌اند: که دولت یگانه شخصیت حقوقی است که از «اصل اختصاصیت» صلاحیت شخصیت‌های حقوقی، مستثنی شده و در نتیجه صلاحیت او به‌عنوان بزرگ‌ترین و بالاترین شخصیت حقوقی،

۱. کاویانی، کورش، پیشین، ص ۲۲۳.

۲. pouvoir legal de representation.

۳. صقری، محمد، حقوق بازرگانی شرکت‌ها، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۳ ص ۱۴۷.

عام و مطلق است.^۱ علاوه بر این «اصل تخصص از مبنای قانونی روشنی برخوردار نیست تا بحث تعارض آن باقاعده مذکور در ماده مورد بحث طرح گردد. در نتیجه هرگونه تفسیر متضمن تعرض به تمامیت حکم ماده ۵۸۸ برخلاف منظور قانون گذار و خدشه‌ای غیر قابل توجیه به کمال شخصیت حقوقی محسوب می‌گردد، به نحوی که برای این ماهیت تعریف جدیدی کاملاً متفاوت از شخصیت باید جستجو نمود».^۲

در قلمرو نظریه «بطلان» اشخاص برای مصون ماندن از آثار زیان بار باطل اعلام شدن قرارداد منعقد با شرکت، باید موضوع شرکت را بررسی نموده و احراز نمایند آیا موضوع قرارداد در محدوده موضوع شرکت قرار دارد یا خیر؟ اگرچه اطلاع از موضوع شرکت با مراجعه به آگهی ثبت و مفاد اساسنامه آن امکان پذیر می‌نماید، قطعاً تشخیص ارتباط موضوع قرارداد با موضوع شرکت امری اختلافی، قابل تفسیر و نیازمند اظهار نظر کارشناسان حقوقی، اقتصادی و سرمایه گذاری است «در برابر تکلیف اول که آن را دشوار دانستیم، تکلیف دوم بسیار دشوار و بلکه قریب به محال می‌نماید. امروزه فعالیت‌های تجاری بسیار تخصصی شده‌اند. از این گذشته معاملات بسیاری وجود دارند که مستقیماً به موضوع شرکت مرتبط نیستند اما به طور غیر مستقیم هدف شرکت را بر آورده می‌سازد».^۳

این دیدگاه حقوقی از نظر اقتصادی نیز مورد انتقاد قرار گرفته است: «در اقتصادهای در حال گذار، چنانچه اساسنامه شرکت بتواند اختیارات شرکت را محدود کند، خطر ورود زیان به اشخاص ثالث بیش از منافع احتمالی‌ای خواهد بود که امکان تحدید اختیارات ممکن است به همراه آورد. در صورتی که تحدید اختیارات مدیران مجاز باشد، تکلیف تحقیق در خصوص اینکه آیا شرکت با موضوع محدود در هر مورد اختیار (اهلیت) انعقاد معامله خاصی را دارد یا خیر، نباید بر دوش اشخاص ثالث قرار داده شود».^۴

۲-۳- نظریه غیر قابل استناد بودن بطلان قرارداد

۱. صفار، محمدجواد، پیشین، ص ۳۹۵.
۲. پاسبان، محمدرضا، پیشین، ۱۳۹۰، ص ۳۶-۳۷.
۳. کاویانی، کورش، پیشین، ص ۱۲۲.
۴. گاینان، آویل اف؛ و همکاران، «قواعد عمومی حقوق شرکت‌ها: مطالعه‌ای برای اقتصادهای در حال گذار»، مترجم: ماشاءالله بناء نیاسری، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۴۵، ۱۳۸۶، ص ۲۵۸-۲۵۹.

همان گونه که اشاره شد، یکی از مهم ترین خطراتی که از تأسیس شرکت ایجاد می شود، وضعیت حقوقی معاملات شرکت با اشخاص ثالث است. از جمله اصول پیشنهادی در تنظیم مقررات حقوق شرکت ها، وجود تضمین قوی برای صحت و نفوذ قراردادهایی است که اشخاص با اعتماد به اختیارات قانونی مدیران، با شرکت ها منعقد می نمایند.

بر مبنای رویکرد مطرح شده، با فلسفه حمایت از اشخاص ثالث و درونی کردن هزینه های تأسیس آن، راجع به ضمانت اجرای معامله خارج از موضوع شرکت نظریه دیگری قابل طرح است؛ بدین توضیح که حکم ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت. ارتباطی به اهلیت شرکت ندارد و در واقع درصدد بیان این مسئله است که مدیران خارج از موضوع شرکت، اختیار ندارند و استناد به ماده ۵۸۸ ق.ت. نیز در رد این ادعا صحیح نیست؛ زیرا ماده ۵۸۸ قانون اخیرالذکر تنها محدودیتی که ذکر کرده، مربوط به حقوقی است که خاص طبیعت انسانی است.^۱

با توجه به تالی فاسد ضمانت اجرای بطلان مطلق که منجر به بی ثباتی معاملاتی می شود و همچنین موضع قانون ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۶ فرانسه - الهام بخش قانون گذار ایران در تصویب لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت - که اقدامات خارج از موضوع را در مقابل اشخاص ثالث معتبر می داند: حکم ماده پیش گفته عام است و ضمانت اجرای تمام معاملات و اقداماتی که توسط هر یک از ارکان شرکت با تخلف از مقررات قانونی صورت گرفته باشد را دربر می گیرد. در واقع ماده ۲۷۰ ضمانت اجرای تخلف از ماده ۱۱۸ است؛ بنابراین هر ذی نفع می تواند بطلان چنین معامله ای را از دادگاه درخواست نماید.^۲ از این دیدگاه، چون تعیین و اعلان موضوع شرکت الزامی قانونی است، حتی اگر ضمانت اجرای نقض این الزام، بطلان قرارداد خارج از موضوع باشد، اعلام بطلان اقدامات یا تصمیمات ارکان شرکت توسط دادگاه در مقابل طرف قرارداد به موجب قسمت اخیر ماده ۲۷۰ قابلیت استناد ندارد، در نتیجه شرکت ملزم به ایفای تعهدات قراردادی خواهد بود.

در حقوق ایران خاستگاه تئوری «غیر قابل استناد بودن اقدامات و قراردادهای و یا بطلان آنها در مقابل اشخاص ثالث»، قوانین و مقررات تجاری است. این تفکر در مواد متعددی از قانون

۱. حیدرپور، البرز، «محدودیت های مدیران شرکت های سهامی در انجام معاملات در حقوق ایران و انگلیس»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵، ص ۸۵.
 ۲. همان، ص ۹۵-۹۰.

تجارت و ل.ا.ق.ت. ظهور یافته که مواد ۹۵ تا ۱۰۰، ۱۱۶، ۱۲۵، ۱۴۳، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۸۸، ۱۹۸، ۳۹۶، ۳۹۷ و ۳۹۹ ق.ت؛ و مواد ۴۰، ۱۱۸، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۵، ۲۱۰ و ۲۷۰ لایحه مذکور از آن جمله هستند.

ممکن است ایراد شود که ماده ۲۷۰ مربوط به تخلفاتی است که داخل در موضوع شرکت صورت می گیرد و در مورد تخطی از موضوع شرکت حکمی ندارد، اما ایراد مذکور در مواجهه با اطلاق ماده و لفظ «عملیات و تصمیمات» که تخلف از موضوع شرکت سهامی را نیز دربر می گیرد، قابل رفع است. همان گونه که اشاره شد، منبع اقتباس ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت. ماده ۹۸ قانون تجارت ۱۹۶۶ فرانسه است که استثنای دوم اختیارات قانونی مدیران را مراعات محدوده موضوع شرکت، می داند؛ اما به منظور حفظ حقوق اشخاص ثالث در ادامه مقرر داشته: «عملیات هیات مدیره در ارتباط با اشخاص ثالث حتی اگر خارج از موضوع شرکت باشد برای آن تعهدآور است، مگر این که شرکت ثابت کند که شخص ثالث از خارج بودن عمل از موضوع شرکت آگاهی داشته یا شرایط به گونه ای بوده است که نمی توانسته نسبت به آن اظهار بی اطلاعی کند. صرف آگاهی رسمی اساسنامه برای اثبات این امر کفایت می کند.» «راه حل مذکور با دستورالعمل شورای اروپا به شماره ۱۵۱/۶۸ مورخ ۹ مارس ۱۹۶۸ مطابقت داشته و نشان می دهد که در اتحادیه اروپایی مدیران شرکت ها در مقابل معامله کنندگان اختیارات کامل قانونی دارند؛ اما دستورالعمل مذکور قدمی فراتر نهاده و اقدامات مدیران را که خارج از موضوع شرکت باشد، برای شخص حقوقی الزام آور می شناسند. این ترتیب در قانون فرانسوی هم منظور شده است (ماده ال ۳۵-۲۲۵)»^۱.

در مورد شرکت با مسئولیت محدود نیز، ضمانت اجرای اقدام خارج از حدود اختیارات مدیران (موضوع ماده ۱۰۵ ق.ت.) با همان تحلیل، بطلان قرارداد نیست؛ بلکه به لحاظ شمول اهلیت تمتع شرکت بر موضوع قرارداد، در صورتی که اختیارات مدیران در اساسنامه یا تصمیمات آگاهی شده، محدود به موضوع شرکت شده باشد، نهایتاً عدم نفوذ عقد است. در صورت تنفیذ قرارداد توسط مجمع شرکا، از حالت عدم نفوذ خارج می گردد و در صورت رد، شرکت مسئولیتی در قبال تعهدات قرارداد مردود ندارد. هرچند در فرض بطلان قرارداد،

۱. صقری، محمد، پیشین، ص ۱۴۹.

مدیر متخلف مطابق اصول مسئولیت مدنی مسئول جبران خسارات طرف قرارداد است. در مورد سایر شرکت‌های موضوع قانون تجارت، اکثر نویسندگان حقوقی به استناد ماده ۵۱ آن قانون، رابطه مدیران و شرکت را مشمول مقررات عقد و کالت دانسته سپس این امر را مورد انتقاد قرار داده‌اند. در رابطه و کیل و موکل مطابق قانون مدنی «اصل عدم اختیار» حاکم بوده و داشتن هرگونه اختیار از جانب موکل نیازمند تصریح و اثبات است. «در مفهوم قراردادی شرکت، گستره‌ی اختیارات مدیر به‌عنوان نماینده‌ی شرکت کاملاً به اراده‌ی شریکان بستگی دارد. در مقررات منسوخ ۱۸۶۷ فرانسوی که عیناً در این زمینه به قانون تجارت ما راه یافته است، مدیران و کیلان شریک‌ها محسوب می‌شوند؛ زیرا این قاعده با تفکر حاکم بر مواد ۵۷۷ و ۵۸۲ ق.م. قابلیت انطباق نشان می‌دهد: مدیر برای اداره اموال شرکت قانوناً آزادی کامل دارد (۶۶۱ ق.م.) اما معامله با این اموال نیازمند مجوز از سوی شرکاست؛ لذا باید به یکایک اختیارات مدیر در اساسنامه تصریح شود. به عبارت دیگر، داشتن اختیار در معاملات غیر مصرح مواجهه با اصل عدم است. اصل عدم اختیار مدیر چنین می‌رساند که به جز اداره عادی اموال آن، نامبرده نمی‌تواند عملی را که از حدود و کالت او خارج است، انجام دهد (م. ۶۶۳ همان ق.). مسئولیت‌های مدیران این شرکت طبق قواعد کنونی قانون تجارت ۱۳۱۱ بر مبنای مسئولیت‌های و کیل در مقابل موکل تعریف می‌شود.^۱

این ضابطه به هیچ وجه در مورد مدیریت شرکت تجاری، به‌عنوان سازمانی حقوقی، قابل توجیه نیست؛ بنابراین با تحلیلی دقیق‌تر می‌توان گفت؛ مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکا مطابق مواد ۵۱، ۱۲۱، ۱۴۴، ۱۶۴ و ۱۸۵ ق.ت. تابع قواعد عقد و کالت است، اما اقدامات مدیران -از جمله تخطی از محدودیت موضوعی - با توجه به شخصیت حقوقی شرکت که مستقل از شخصیت شرکا آن است، با لحاظ روح قانون تجارت ۱۳۱۱ در باب اصل عدم قابلیت استناد به شرح فوق، با عدم قابلیت استناد بطلان قرارداد در رابطه و کیل (مدیر) و موکل (شریک) در مقابل اشخاص ثالث مواجه است. علیرغم این که وضع حکم بر شرکا و صاحبان سهام در مواد ۵۱ و ۱۱۸ قابل انتقاد بوده و باید رژیم حقوقی رابطه مدیران با شرکت به‌عنوان رکنی از ارکان آن تعیین می‌شد، اما در شرایط کنونی که قوانین قائل به نمایندگی مدیران از

شرکت هستند، می‌توان از موضع قانون‌گذار در مورد شرکت‌های موضوع قانون تجارت ۱۳۱۱ (مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکا همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد) برای تقویت نظریه عدم قابلیت استناد بطلان بهره جست. البته قانون‌گذار تمایز میان رابطه مدیران و شرکا با رابطه مدیران و شرکت را در ماده ۶۱ همان قانون - که رژیم حقوقی مسئولیت مدیران در برابر شرکت را تعیین می‌نماید - به رسمیت شناخته است.

در رابطه با شرکت‌های تعاونی، قانون‌گذار با تصویب قانون شرکت‌های تعاونی ۱۳۵۰، مسئولیت هیات مدیره را در مقابل شرکت، مسئولیت وکیل در مقابل موکل می‌داند (ماده ۴۶). با وجود تصویب قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۰) این نظام مسئولینی به موجب حکم ماده ۷۱ قانون اخیر، حفظ شده است که همچنان مشمول ایرادات مطرح شده در مورد تلقی رابطه وکالتی مدیران می‌باشد.

طرفداران این نظریه معتقدند رویکرد عدم قابلیت استناد، صرفاً به نفع ثالث نیست؛ بلکه نفع شرکت نیز در آن ملحوظ است؛ زیرا در نهایت ضرر به مدیرانی منتقل می‌شود که از حدود موضوع شرکت خارج شده‌اند؛ اما مهم این است که حمایت از اشخاص ثالث سبب تضمین اعتبار قراردادها شده و به ترغیب اشخاص به معامله با شرکت، بدون نگرانی از شمول یا عدم شمول موضوع شرکت بر قرارداد یا محدودیت اختیارات مدیران می‌انجامد که در نهایت توسعه نهاد شرکت را در پی دارد.

ماده ۶۸۳ لایحه تجارت ۱۳۹۱ بیان می‌دارد: «هرگاه مفاد این قانون در مورد تشکیل شرکت یا عملیات آن یا تصمیماتی که به وسیله هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می‌گردد رعایت نشود، حسب مورد به درخواست هر ذی‌نفع بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه اعلام می‌شود در این صورت مؤسس یا مؤسسان، مدیر یا مدیران، بازرس یا بازرسان و شریک و یا سهامدار شرکت نمی‌توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد کنند». متن ماده با رویکرد حمایت از اشخاص ثالث بر مبنای نظریه غیرقابل استناد بودن بطلان معاملات یا اقدامات در مقابل اشخاص ثالث و درونی سازی هزینه تأسیس شرکت تدوین شده است.

۱-۲-۴- ارزیابی نظریه عدم قابلیت استناد

نظریه عدم قابلیت استناد بطلان اقدامات و اعمال حقوقی در ابواب متعددی از قانون

تجارت، انعکاس دارد. با جمع احکام مقرر در دو ماده ۵۸۸ ق.ت.و ۱۱۸ ل.ا.ق.ت.، می‌توان گفت نظریه عدم قابلیت استناد بطلان قرارداد خارج از موضوع در برابر ثالث، در خصوص شرکت سهامی دارای پشتوانه قانونی است. در واقع اهلیت عام شرکت‌ها به ترتیب مقرر در ماده ۵۸۸ ق.ت. همچنین وسعت اختیارات مدیران شرکت سهامی مطابق صدر ماده ۱۱۸ و عدم تصریح به ضمانت اجرای بطلان قرارداد برای تخلف از محدودیت موضوعی شرکت، در کنار حکم کلی ماده ۲۷۰ آن لایحه قانونی، اساس اندیشه عدم قابلیت استناد بطلان را در زمینه شرکت‌های سهامی تشکیل می‌دهد. با به کارگیری لفظ «عملیات و تصمیمات» در این ماده، می‌توان بر این عقیده بود که اقدامات خارج از موضوع شرکت نیز شامل حکم قسمت اخیر ماده می‌گردد.

در مورد شرکت با مسئولیت محدود که برخلاف سایر شرکت‌ها، قانون تجارت ۱۳۱۱ با عدول از اعمال قواعد و کالت بر رابطه مدیران و شرکت، در ماده ۱۰۵ مقرر می‌دارد: «مدیران شرکت کلیه اختیارات لازمه را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد. هر قراردادی راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است»، باید گفت چنانچه تحدید اختیارات مدیر یا مدیران به موجب اساسنامه یا تصمیمات آگهی شده، صراحتاً ناظر به موضوع شرکت و منع اقدام فراتر از آن باشد، قرارداد نسبت به شرکت غیر نافذ بوده و سرنوشت آن تابع تنفیذ یا رد قرارداد فضولی توسط مجمع شرکا است؛ بنابراین، هر چند که ایرادات وارد بر اجرای مقررات و کالت در رابطه مدیران و شرکا در مورد شرکت با مسئولیت محدود رفع شده و باید آن را سرآغاز تحولی دانست که تصویب ماده ۱۱۸ را در پی داشته، اما نظریه عدم قابلیت استناد بطلان، در مورد این نوع شرکت، در فرض رد معامله خارج از موضوع شرکت - منوط به تصریح تحدید موضوعی اختیارات مدیران در اساسنامه یا اصلاحیه آن - قابل طرح نیست.

در مورد سایر انواع شرکت‌ها، با دیدگاه سنتی قانون تجارت و تصریح به حکومت قواعد و کالت در مورد مسئولیت مدیران در مقابل شرکا (م. ۵۱ ق.ت.)، این تحلیل که خروج از محدوده اذن توسط وکیل، در مقابل موکل (شرکا) موجب مسئولیت، اما نسبت به شرکت

(شخصیت حقوقی) با توجه به اختیارات قانونی مدیران الزام آور است، تحلیلی هوشمندانه و روزآمد از مقررات کنونی می‌باشد. حتی گفته شده ماده مذکور در مقام بیان مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکا است نه رابطه بین مدیر و شرکا شرکت.^۱ در واقع قانون‌گذار در مورد سایر شرکت‌ها نیز، نظر به بطلان قرارداد نسبت به شرکت نداشته و در راستای خط فکری عدم قابلیت استناد (چه به عنوان اصل حقوقی و چه به عنوان روح قانون به شرح مذکور در ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی) می‌توان گفت گرچه قرارداد خارج از موضوع، در رابطه مدیران و شرکا قابل ابطال است اما ابطال آن، در مقابل طرف قرارداد با حسن نیت یا به تعبیر دقیق‌تر ناآگاه، قابلیت استناد ندارد.

در مورد شرکت‌های تعاونی نیز با وجود بقاء اعتبار ماده ۴۶ قانون شرکت‌های تعاونی ۱۳۵۰، می‌توان با تفکیک میان مسئولیت مدیران و امور مدیریتی شرکت، نظریه عدم قابلیت استناد بطلان را قابل اعمال دانست.

لازم به ذکر است که با اعتقاد به نظریه رکن بودن مدیریت شرکت، این شخصیت حقوقی است که با اجرا و اعمال اهلیت عام (م. ۵۸۸ ق.ت.) خارج از موضوع اعلامی خود، اقدام به انجام معامله نموده است و اساساً عنوان معامله فضولی بر این نوع قرارداد صادق نیست؛ بنابراین باطل دانستن قرارداد خارج از موضوع با اعتقاد به نظریه یادشده در تعارض است.

یکی از اصول پیشنهادی در تنظیم مقررات حقوق شرکت‌ها، وجود تضمین قوی برای صحت و نفوذ قراردادهایی است که اشخاص ثالث با شرکت منعقد می‌نمایند. در این راستا گفته شده در محیط‌هایی که مملو از بی‌ثباتی اقتصادی و حقوقی است، توجه به این مسئله ضروری است که هزینه‌ها و خطرهای انعقاد قراردادهای استاندارد تجاری کاهش یابد؛ بنابراین کشورهای با اقتصاد در حال گذار باید در وضع مقررات حاکم بر شرکت‌ها، تضمین معاملات ثالث با شرکت را فراهم نمایند. شرکت باید اهلیت استیفای کلیه حقوق و تعهدات مدنی و اهلیت وارد شدن به هرگونه فعالیت و عمل تجاری را داشته باشد. در صورتی که اساسنامه شرکت قلمرو فعالیت‌های آن را محدود نماید، به عبارت دیگر محدودیت موضوعی ایجاد نماید، این محدودیت نباید بر حقوق اشخاص ثالث تأثیر بگذارد مگر در صورت اطلاع واقعی ثالث از این محدودیت. امکان محدود کردن موضوع شرکت این خطر را ایجاد می‌کند

۱. عیسایی تفرشی، محمد، پیشین، ج ۱، ص ۱۴۹-۱۴۸.

که اشخاص ثالث از روی حسن نیت معامله‌ای با شرکت منعقد کنند، اما پس از آن متوجه شوند که معامله به علت تجاوز از حدود اختیار و موضوع شرکت، بی اعتبار است.^۱

نتیجه‌گیری

مبانی حقوقی قاعده آلتراوایرز در حقوق انگلیس در سیر تاریخی آن دچار دگرگونی‌هایی شده که متأثر از نتایج به دست آمده از اعمال نظریات اولیه و ارزیابی آن‌ها بوده است. با توجه به سیر تحول قاعده باید بر این باور بود که ابتدا آنچه اهمیت داشت حمایت از منافع شرکت، طلبکاران و سهامداران بود. البته این برداشت به معنی عدم حمایت از ثالث نیست؛ در قرن نوزدهم نیز تمهیداتی در راستای حمایت از ثالث اندیشیده شد، لیکن رویکرد حمایت از اشخاص ثالث اولویت قانون‌گذار نبوده است. مؤید این ادعا پیش‌بینی فرض حقوقی «آگاهی ثالث نسبت به موضوع شرکت» بود؛ اما در ادامه رویکرد قانون‌گذار به سمت حمایت از اشخاص ثالث تغییر کرد. در این راستا قانون‌گذار اثر قاعده را درونی کرد تا از این طریق هزینه‌های ایجاد و اداره شرکت نیز درونی و برای ثالث امنیت و ثبات معاملاتی ایجاد شود. بدون تردید چنین دیدگاهی علاوه بر اینکه مانع سوءاستفاده از نهاد شرکت می‌گردد، از تحمیل هزینه تأسیس شرکت بر اشخاص ثالث می‌کاهد و سبب اعتماد عمومی به شرکت‌ها و در نتیجه توسعه فعالیت اقتصادی آن‌ها خواهد شد. قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ انگلیس که آخرین تحول قانون‌گذاری حقوق شرکت‌هاست - هرچند قاعده مذکور را نسخ ننموده - گام پایانی را در این زمینه برداشت و در ماده ۴۰ به منظور حمایت از اشخاصی که با حسن نیت طرف قرارداد با شرکت واقع می‌شوند، اختیار هیات مدیره را برای متعهد نمودن شرکت فارغ از هر محدودیت مقرر در اساسنامه مفروض دانست. با این اقدام موضوع شرکت - به عنوان یک محدودیت اساسنامه‌ای - نمی‌تواند اعتبار قراردادها را با قاعده آلتراوایرز به چالش بکشد. این قانون طرف قرارداد را شخص با حسن نیت فرض نموده و تنها با این دلیل که می‌دانسته مدیران خارج از موضوع اقدام کرده‌اند، با سوءنیت نمی‌شناسد.

در حقوق ایران با توجه به رویکردهای مبتنی بر اصل تخصص و حمایت از شرکت -

۱. گایان و همکاران، پیشین، ص ۲۵۸-۲۵۷.

همانند نظام قدیم انگلستان- در مورد ضمانت اجرای خروج از موضوع شرکت، نظریه بطلان مطرح شده است که این نظریه با توجه به دامنه اهلیت تمتع اشخاص حقوقی به ترتیب مقرر در ماده ۵۸۸ ق.ت. همچنین فقدان تصریح بر بطلان چنین قراردادی در قوانین موضوعه، مغایر با اهلیت عام شرکت تلقی می‌گردد. به موجب رویکرد حمایت از اشخاص ثالث، اگرچه معامله خارج از موضوع شرکت، به لحاظ تخلف مدیران (نمایندگان) شرکت قابلیت ابطال به درخواست ذینفع و به موجب حکم دادگاه را داراست، اما اعلام بطلان قرارداد توسط دادگاه در برابر اشخاص ثالث (طرف معامله با شرکت) به واسطه استقراء در قوانین، به کارگیری اصل حقوقی «عدم قابلیت استناد در برابر ثالث» به علاوه تفسیری کارآمد از قوانین حاکم، قابل استناد نمی‌باشد. لذا شرکت ملزم به اجرای قرارداد و انجام تعهدات آن بوده، مدیران متخلف در صورت ورود زیان در برابر شرکت مسئولیت جبرانی دارند.

لایحه تجارت ۱۳۹۱ باهدف حمایت از اشخاص ثالث و جلوگیری از سوءاستفاده از نهاد شرکت از طریق درونی سازی هزینه‌های تأسیس و اداره آن، در مواد ۲۰۸ و ۶۸۳، نظریه عدم قابلیت استناد بطلان اقدامات و معاملات را پذیرفته است؛ چراکه شرط اقدام در حدود موضوع شرکت را حذف و تنها استثناء اختیارات مدیران را صلاحیت خاص مجامع اعلام داشته است. این امر در راستای پذیرش نظریه رکن بودن مدیریت شرکت (به شرح مبحث دوم لایحه - اداره شرکت) قابل توجه است؛ اما از آنجایی که در مواد پیشنهادی به وضعیت حقوقی معاملات و اقدامات خارج از موضوع شرکت تصریح و تأکید نشده است، در صورت تصویب به همان کیفیت، پیش‌بینی می‌شود با ورود حقوقدانان به بحث اهلیت شرکت و مرتبط دانستن آن با محدودیت‌های موضوعی، اختلاف نظرات حقوقی-قضایی ادامه یابد.

پیشنهاد می‌شود در قانون‌گذاری بعدی، فصل مستقلی به موضوع اهلیت شرکت تجاری ناظر به تمام انواع شرکت‌ها اختصاص یابد و ضمن تصریح به اهلیت عام شرکت، مرز مشخصی میان مقوله اهلیت شرکت و موضوع آن همچنین اختیارات مدیران شرکت ترسیم شود. به علاوه آثار تحدید اختیارات مدیران در رابطه: الف) شرکت و مدیران (وظایف امانی)، ب) شرکت و اشخاص ثالث به روشنی مورد حکم قرار گیرد. در باب وضعیت حقوقی قرارداد خارج از موضوع شرکت نیز بمانند نظام‌های مطرح حقوقی، اتخاذ موضعی صریح ضرورت دارد تا اختلاف نظرها خاتمه یابد. تأکید بر صحت این دسته از قراردادها ضمن آن که موافق



نظریه اهلیت عام شرکت و عدم وابستگی آن به اساسنامه یا شرکت‌نامه شرکت همچنین رکن بودن مدیریت شرکت می‌باشد (نظریه وحدت)، به ثبات قراردادی و توسعه فعالیت این نهاد مهم اقتصادی - اجتماعی خواهد انجامید.

منابع

فارسی

- آویل اف، گاینان و همکاران (۱۳۸۶)، «قواعد عمومی حقوق شرکت‌ها؛ مطالعه‌ای برای اقتصادهای در حال گذار»، مترجم: ماشاءالله بناء نیاسری، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۴۵.
- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت - شرکت‌های تجاری، جلد ۲، چاپ اول، (تهران: انتشارات سمت ۱۳۷۷).
- پاسبان، محمدرضا، حقوق شرکت‌های تجاری، چ ششم، (تهران: انتشارات سمت ۱۳۹۰).
- _____، «اهلیت شرکت‌های تجاری و حدود اختیارات مدیران شرکت‌های تجاری»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۵۱، بهار ۱۳۸۹.
- پور رشید، سیده زهرا، تعادل در اختیارات مدیریت شرکت‌های سهامی: مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه، چ اول، (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۴).
- حیدر پور، البرز (۱۳۷۵)، «محدودیت‌های مدیران شرکت‌های سهامی در انجام معاملات در حقوق ایران و انگلیس»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، استاد راهنما: دکتر عبد الرسول قدک.
- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد دوم، چاپ دوم، (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۶).
- سکوتی نسیمی، رضا، حقوق شرکت‌های تجاری، جلد اول، چاپ اول، (تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۹۵).
- صفار، محمدجواد، شخصیت حقوقی، چاپ دوم، (تهران: انتشارات بهنامی، ۱۳۹۵).
- صقری، محمد، حقوق بازرگانی شرکت‌ها، جلد اول و دوم، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۳).
- طباطبائی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، جلد دوم، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴).
- طوسی، عباس، تحلیل اقتصادی حقوق شرکت‌ها، چاپ اول، (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳).
- عرفانی، محمود، حقوق تجارت تطبیقی، چاپ اول، (تهران: انتشارات جنگل، جاودانه، ۱۳۸۸).

- عیسائی تفرشی، محمد، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری، جلد ۱ و ۲، چ دوم، (تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۵).
- کاویانی، کورش، حقوق شرکت‌های تجاری، چاپ چهارم، (تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۳).

English sources:

- Becht, Marco (2005), *Corporate governance and control*, University Libre Debruxelles and ECGL.
- Bryan A. Garner (1999), *Black's law dictionary*, Seventh Edition, West Group
- Charlesworth & Morse (1991), *Company Law*, Fifth Edition.
- Charles W.L Hill (1992), Tomas Mc Jones, "Stakeholders - Agency Theory", journal of management study 29:2.
- Farrar, John .H. , Furey, Nigel. E., Hannig, Berenda (1991), *Farrar's Company Law*, 3th^{ed}, Butterworths, London.
- Fisch Jill E. (2006), "Measuring Efficiency In Corporate Law: The Role Of Shareholder Primacy", The Journal Of Corporation Law, Vol,31
- Gregory, Roger, Rolled Steel Products (Holdings) Ltd. v. British Steel Corporation, *The Modern Law Review*, Vol. 48, No. 1 (Jan., 1985).
- Mack, Frank A. (1930), "The Law on Ultra Vires Acts and Contracts of Private Corporations", 14 Marq. L. Rev. 212.
- Paul L. Davies (1999), *Gower's Principle of Modern Company Law*, 6th ed, Sweet & Maxwell.
- Pennington, Robert, *Penningtons Company Law*, 7ed, London, Butterworth, 1995.
- saleem, sheikh, (2008), *A Guide to the Companies Act 2006*, First edition, Routledge – Cavendish, New York.
- Sealy, Len and Worthington, Sarah (2008), *Case and Materials in Company Law*, 8edition, Oxford University Press.
- Stephen Griffin (1998), *The Rise and fall of the Ultra Vires Rule in Corporate Law*, Mountbatten Journal of Legal Studies.
- Talbot, LE (2008), *Critical Company Law*, First edition, Routledge-Cavendish, New York.
- Treitel, .G.H (1995), *The Law of Contract*, 9th Edition, London, Sweet and Maxwell, International Student Edition.

منابع اینترنتی

“Applicability of Doctrine of Indoor Management to LLP”, available at: <http://www.llphelpline.com/documents/Applicability-Doctrine-Indoor-Management.pdf> (30/4/2015).

.Ashbury Rly Carriage and Iron Co v Riche , Available at:
<http://www.lawteacher.net/company-law/essays/the-ultra-vires-rule-law-essays.php> (1/5/2015).

<http://www.lawteacher.net/free-law-essays/business-law/the-reform-of-the-ultra-vires-rules-business-law-essay.php> (7/4/2015).

